



پیامدهای کاهش ارزش دلار بر اقتصاد ایران

بهارناز اقبال نیا

یورو و افزایش پول ملی شان نسبت به دلار بوده‌اند، اما در ایران، بازار آزاد ارز که به طور رسمی تحت کنترل بانک مرکزی است، شاهد کاهش شدید ارزش ریال نسبت به یورو و نیز استمرار کاهش ارزش ریال نسبت به دلار بوده است.

در واقع، در شرایطی که ارزش دلار در بازارهای جهانی رو به سقوط است، ثابت نگه داشتن ارزش دلار در برابر ریال به معنی کاهش ارزش پول ملی ایران در بازارهای جهانی است. این در حالی است که بانک مرکزی کشورمان در شرایط فعلی حتی به تثبیت نرخ دلار هم بسنده نکرده و روال دایمی افزایش نرخ دلار در برابر ریال را که از سال ۱۳۸۰ و با یکسان سازی

نرخ ارز آغاز کرده بود، ادامه می دهد. آیا کاهش ارزش دلار در شرایط فعلی اقتصاد ما می تواند مفید باشد؟ برای پاسخ باید تأثیر این کاهش را بر مصرف کنندگان و تولید کنندگان تحلیل کنیم. برای مصرف کنندگان این سیاست به مثابه کاهش هزینه خرید کالاهای خارجی عمل خواهد کرد و لاجرم موجب افزایش تقاضای داخلی برای واردات خواهد شد. اگرچه این سیاست در جای خود ضد تورمی

آنچه هم‌اکنون در صحنه سیاست‌گذاری اقتصادی به چشم می‌خورد و خبری که به گوش می‌رسد این نگرانی را دامن می‌زند که قرار است راه‌چند ساله را که به هر دلیل در نرفتن آن همه قصور کرده‌ایم در یک شبه طی کنیم. سؤال مهم این است که آیا الزامات برقراری شرایط مطلوبی مانند حاکمیت مکانیزم قیمت بر اقتصاد، رها شدن اقتصاد از فضای رانتی، برقراری عدالت اجتماعی و جلوگیری از اتلاف منابع برای تثبیت رشد پایدار در اقتصاد با یک یا چند تصمیم جدی مانند نقدی کردن یارانه‌ها یا کاهش ارزش دلار امکان‌پذیر است؟

دقت در این تصمیمات حائز اهمیت فراوانی است. از جمله مباحث مطرح شده، طرح کاهش ارزش دلار است. در این بحث نظریه اقتصادی بیان می‌دارد که کشوری که با تراز مثبت تجاری روبه‌رو باشد در شرایطی که نرخ ارز شناور داشته باشد، با افزایش ارزش پول ملی (و کاهش ارزش ارز) مواجه خواهد شد که البته این مکانیزم از طریق ارزاتر شدن کالاهای وارداتی و گرانتر شدن کالاهای صادراتی خود در برگشت موجب تعدیل تراز تجاری کشور را فراهم خواهد کرد، اما آنچه در صحنه عمل کشورها دیده می‌شود، بیشتر به یک جنگ تجاری شبیه است.

در شش سال گذشته، در نتیجه کاهش تدریجی قیمت دلار واردات ایران از ۱۵ میلیارد دلار به ۵۲ میلیارد دلار افزایش یافته و به همین میزان بر رکود صنایع و تولیدات داخلی و هم‌زمان تشدید بیکاری اثر منفی گذاشته است. در واقع، نخستین نتیجه اجرای طرح کاهش قیمت دلار در برابر ریال، کاهش قیمت کالاهای وارداتی و در نتیجه تضعیف بیشتر کالا و تولیدات داخلی خواهد بود. اما، پیامد مهم دیگر اجرای این طرح، کاهش درآمدهای ارزی و به‌ویژه درآمدهای نفتی کشور خواهد بود. زیرا، اگر دولت دلارهای خود را از محل فروش نفت در ازای ریال به بانک مرکزی می‌فروشد، در نتیجه کاهش قیمت دلار باعث می‌شود که بانک مرکزی ریال کمتری به دولت بپردازد که این در واقع به منزله کاهش مستقیم درآمدهای نفتی و هم‌زمان افزایش کسری بودجه دولت است. ناظران بر این باورند که کاهش ارزش دلار به منزله اختصاص یارانه به کالاهای وارداتی است که نتیجه‌اش آن را نمی‌توان تقویت تولیدات داخلی و کاهش بیکاری مزمن دانست.

دلار ارزان موجب افزایش واردات و کاهش توان رقابت تولید کنندگان می‌شود. از سوی دیگر صادرات محصول نیز برای تولید کنندگان، ارز آوری کمتری خواهد داشت، بنابراین کاهش نرخ دلار تیر خلاصی است به صنایع داخلی، کاهش نرخ ارز مجوزی برای خروج آن از کشور و یک رانت آشکار برای کسانی است که درآمد بالایی دارند.

به گفته کارشناسان، تقریباً همه کشورها که نرخ ارزششان در بازار شناور مدیریت شده تعیین می‌شود، شاهد کاهش ارزش پول ملی آنها نسبت به

در واقع، نخستین نتیجه اجرای طرح کاهش قیمت دلار در برابر ریال، کاهش قیمت کالاهای وارداتی و در نتیجه تضعیف بیشتر کالا و تولیدات داخلی خواهد بود

خواهد بود، اما تراز تجاری کشور را که هم‌اکنون بدون لحاظ نفت به شدت منفی است، منفی‌تر خواهد ساخت.

از طرف تولید کنندگان با دو اثر متناقض مواجه هستیم. از طرفی با کاهش ارزش دلار بهای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تولید کنندگان تنزل خواهد یافت و از طرف دیگر کاهش ارزش دلار درآمد صادر کنندگان را به ریال کاهش خواهد داد. در مجموع، تولید کنندگان از دو طرف تحت فشار قرار خواهد گرفت. به طوری که قبل از این که شیرینی کاهش هزینه‌های وارداتی خود را تجربه کند، با کاهش تقاضای داخلی و خارجی از یک طرف و با کاهش درآمد صادراتی از طرف دیگر مواجه خواهد شد.

این مسأله به طور دقیق به مفهوم کامل شدن چرخه بیماری هلندی خواهد بود که اندک‌توان تولید کنندگان صادراتی را از آنها سلب خواهد کرد. نکته جالب آن که در سال‌های اخیر نرخ اسمی دلار در کشور ما تقریباً ثابت بوده و این در شرایط وجود تورم دو رقمی خود به مفهوم کاهش ارزش واقعی دلار در طی این سال‌ها است که البته چنین پدیده‌ای نتیجه طبیعی افزایش

- این تصمیم دولت را مجبور به فروش ارزان دارایی‌های عمومی می‌کند و تجدید ارزیابی را از حیز انتفاع خارج می‌کند.
- تاثیر آن در شرکت‌های بورسی که با ارز سر و کار دارند به طور قطع، قابل محاسبه خواهد بود و در اجرای طرح‌های توسعه شرکت‌ها تاثیر گذار است.

کاهش نرخ دلار، قیمت تمام شده محصولات را کاهش می‌دهد و ممکن است تا حدودی سود را افزایش دهد، اما باید کمی تامل کرد تا این موضوع اجرایی شود، زیرا تغییرات مقطعی در زمان اجرا همه چیز را تحت تاثیر قرار می‌دهد و پس از مدتی همه چیز به روال قبلی برمی‌گردد. به دلیل اینکه شمای کلی اقتصاد کشور ما وابسته به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت است. این تصمیم در ابعاد مختلف تاثیر گذار خواهد بود.

به طور خلاصه می‌توان گفت:

کاهش عمدی ارزش پول ملی (Devaluation)، توصیه منسوخ شده صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است که بعد از اثبات آثار ناهنجار آن بر اقتصادهای کشورهای در حال توسعه، از اواخر دهه گذشته میلادی در عمل کنار گذاشته شده است.
مرتضی تمدن عضو کمیسیون اقتصادی مجلس هفتم در این خصوص می‌گوید:

اینکه همه کشورها در حال تغییر ترکیب دارایی ارزی خود هستند، دلیلی بر افول دلار در دنیا است و ایران باید با سرعت بیشتری اقتصاد خود را از دلار آمریکایی جدا سازد. "به عبارت بهتر، لازم است ایران خود را به نوسانات قیمت دلار واکنش‌دهنده کند"

وی می‌افزاید: "تولت در سال‌های گذشته تلاش کرده است که اتکای یک جانبه خود به دلار را کاهش دهد و امروز نیز تقویت پول ملی در قبال کاهش ارزش دلار در بازارهای جهانی است."

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: «زمانی که صادرات ایران افزایش یابد، کشورهای خارجی نیز به دنبال ریال می‌گردند که این امر باعث بالارفتن ارزش پول ملی می‌شود.»

اما شاپور رواسانی استاد صاحب کرسی دانشگاه اولدنبورگ آلمان نظر متفاوتی دارد.

وی می‌گوید: «پول آمریکا آنقدر بی ارزش شده است که باید به کلی از صحنه اقتصاد ایران حذف شود و ایران باید به دنبال یک پول واحد در اتحاد با کشورهای مسلمان و یا عضو اوپک باشد.»

منابع:

- * دکتراله مراد سیف روزنامه دنیای اقتصاد
- * ناصر اعتمادی اقتصاد ایران
- * روزنامه ابرار، ۸۷/۳/۲۹

درآمد ارزی کشور و تزریق این درآمدهای ارزی به اقتصاد بوده است.
اگر به زبان خیلی ساده بخواهیم بیماری هلندی را بیان کنیم، این عارضه زمانی رخ می‌دهد که درآمد یک کشور بر اثر عوامل فصلی بطور ناگهانی افزایش می‌یابد و مسئولان اقتصاد کلان هم باتصور دائمی بودن این درآمد، آن را در جامعه تزریق می‌کنند.

تاییدجای کار اتفاق خاصی نمی‌افتد، نمی‌توانند درآمد کشور زیاد شده و پول هم به جامعه منتقل می‌شود و عدم تعادل بین عرضه و تقاضا به دلیل افزایش درآمد سبب افزایش قیمت‌ها خواهد شد.

ولی مشکل زمانی ایجاد می‌شود که دولت سعی می‌کند با روش‌های مصنوعی یعنی روشی غیر از تقویت و بالا بردن تولید در کشور، قیمت‌ها را پایین نگه دارد.

بیماری هلندی به طور دقیق از آنجا شروع می‌شود که دولت متوسل به واردات کالای مصرفی ارزان می‌شود تا قیمت‌ها را مهار کند، در حالی که صنایع داخلی مجبورند با عوامل تولیدگران کالای گران تولید و با قیمت ارزان عرضه کنند.

این سیاست نمی‌تواند تورم را مهار کند و آن را به بخش‌های دیگر اقتصادی نیز منتقل می‌سازد. (مانند افزایش سرسام آور قیمت مسکن که با امر واردات نیز قابل حل نیست).

پیامدهای کاهش ارزش دلار در برابر ریال

- کاهش ارزش برابری دلار و افزایش نفت معادل هم است.
- کاهش ارزش برابری دلار، یکی از دلایل افزایش قیمت نفت است.
- بانک مرکزی سمت راست ترازنامه خود یعنی دارایی‌های ارزی را با قیمت کمتر از ارزش واقعی می‌فروشد.

- با تزریق دلار ارزان در عمل به واردکنندگان یارانه می‌دهد.
- کاهش ارزش دلار، باعث افزایش واردات کالا به کشور می‌شود.
- کاهش ارزش دلار، وابستگی اقتصاد ایران را به سایر کشورهای صادرکننده تشدید می‌کند.

- کاهش ارزش دلار بزرگ‌ترین ضربه به بنگاه‌های صادرات‌گرا است و توجیه صدور و تولید محصول با دلار ۹۰۰ تومان را از بین می‌برد.

- کاهش ارزش دلار، مزیت‌های اقتصادی بسیاری از بخش‌ها را از میان می‌برد و سهم بازار این قبیل بنگاه‌ها به شدت کاهش می‌یابد.

- ورود سرمایه خارجی به ویژه از مبدأ آمریکا با هدف سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

- آسیب‌پذیری ایران در برابر تغییرات ارزهای قوی (به ویژه دلار) تشدید می‌شود.

- این تصمیم قیمت‌گذاری‌های دارایی‌های مالی دولت در زمینه خصوصی سازی‌های انجام شده را با پرسش و ابهام روبه‌رو می‌کند.